



فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷، صفحات ۱۹۶-۱۷۷

عوامل موثر بر گفتمان اعتدال در سیاست‌گذاری عمومی؛ مطالعه موردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

مبنتی بر پیش‌نظریه جیمز روزنا

حسین فریدون^۱

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی

عبدالعلی قوام

استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی

(تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۳۱)

چکیده

هدف اصلی این نوشتار، بررسی عوامل موثر بر گفتمان اعتدال و تاثیر این عوامل بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت یازدهم می‌باشد. در این نوشتار از پیش‌نظریه جیمز روزنا (به‌عنوان نماینده تلفیق دو سطح تحلیل خرد و کلان) جهت بررسی و تجزیه و تحلیل سیاست خارجی دولت اعتدال استفاده شده است. بنابراین سؤال اصلی آن است که از بین متغیرهای ۵گانه روزنا کدامیک بیشترین تأثیر را بر گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت یازدهم داشته است؟ ادعای اصلی مقاله آن است که در فهم تغییرات سیاست خارجی ایران بعد از انتخابات سال ۱۳۹۲، هر پنج متغیر پیش‌نظریه جیمز روزنا دخیل بودند اما از بین عناصر پنج‌گانه، عنصر نقش سیاستمدار و عنصر فردی برای فهم سیاست خارجی دولت یازدهم از اولویت برخوردار بوده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بسیاری از تصمیمات مهم سیاست خارجی ایران در دولت یازدهم مثل روند مذاکرات هسته‌ای، نوع تعامل با کشورهای همسایه، منطقه و برخی از کشورهای اروپایی تابع متغیر فرد (سیاستمدار) و شخص رئیس‌جمهور و به تبع آن متغیر نقش یعنی مسئولیت‌های قبلی آقای روحانی به عنوان یک حقوقدان بوده که قبلاً در مسئولیت‌هایی مثل رئیس تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای، دبیر شورای عالی امنیت ملی و نماینده رهبری در شورای عالی امنیت ملی بوده است.

واژگان کلیدی: گفتمان اعتدال، اعتدال‌گرایی، سیاست خارجی، دولت یازدهم، سطح خرد و سطح کلان.

بیان مسئله

موضوع گفتمان و تجلی آن در سیاست عمومی مورد توجه اندیشمندان سیاستگذاری عمومی بوده است. یکی از مطالعات کلاسیک در این حوزه مطالعه موردی گفتمان تاچریسم و تجلی آن در سیاستگذاری عمومی است (دیوید مارش و جری استوکر ۱۳۷۷). این مطالعه در نظر دارد با چنین رویکردی، سنت مطالعات گفتمان در سیاستگذاری عمومی را در دولت روحانی تداوم بخشد. بنابراین سهم ویژه این مقاله در سنت تحلیل گفتمان در سیاستگذاری عمومی است. سیاست خارجی بعنوان نخستین حوزه ای بوده است که در ادبیات سیاستگذاری عمومی مورد توجه قرار گرفته است هر چند که در گذر زمان و بدلیل تفوق رویکردهای پوزیتیویستی در سیاستگذاری عمومی، حوزه سیاست خارجی مورد اقبال کمتری واقع شد. امروزه، اما، غنی شدن مطالعات و ادبیات تحلیل گفتمان می تواند مشروعیت بیشتری برای مطالعه سیاست خارجی در حوزه سیاستگذاری عمومی پدید آورد. عناصر اصلی که منظومه گفتمانی سیاست خارجی دولت روحانی را تشکیل می دهد شامل محورهایی همچون آرمانگرایی، واقع بینی، عقل گرایی متوازن، تکلیف گرایی معطوف به نتیجه، تعامل گرایی موثر و سازنده، صلح طلبی مثبت، توسعه گرایی متوازن و چندجانبه گرایی متوازن است. این عناصر گفتمانی در برابر گفتمان دولت نهم و دهم قرار می گیرد که منظومه معنایی-گفتمانی متفاوتی بوده و به مثابه یک پادگفتمان عمل می کند. اعتدال، مفهومی با سابقه فلسفی و نظری کهن است، اما، اندیشه اعتدال از خرداد ۱۳۹۲ و در حول و حوش انتخابات ریاست جمهوری به عنوان یک گفتمان میانه رو در برابر گفتمان پیشین عدالت خواهی در ایران مطرح شد. گفتمان اعتدال در برابر مخاطرات ناشی از تدرروی دولت نهم و دهم در عرصه های سیاست داخلی و بین المللی و تحت تأثیر مخاطرات این دوران شکل گرفت. گفتمان حاکم باعث چالش های چون تحریم ها، اوضاع نابسامان اقتصادی ناشی از آن، اجماع جهانی علیه کشور و در نهایت کاهش مناسبات منطقه ای و بین المللی کشور شده بود و تحت چنین شرایطی، گفتمان اعتدال برای کاهش هزینه های نظام، تنش زدایی، بهبود روابط و تعامل سازنده با دنیا و عقلانیت در عرصه بین المللی به عنوان ارکان اصلی این گفتمان با تغییر در شیوه ها، نحوه عملکرد و تاکتیک ها از سوی روحانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ مطرح شد. بنابراین واژه محوری ایده های انتخاباتی روحانی در انتخابات ریاست جمهوری اعتدال بود. انتخاب روحانی در ریاست جمهوری ایران با مطرح کردن گفتمان اعتدال، فصل جدیدی از روابط خارجی، منطق حکمرانی و گفتمان سیاسی در ایران را آغاز کرد، به گونه ای که می توان گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره دولت یازدهم را اعتدال گرایی نامید، بدین معنا که انتخابات ریاست جمهوری خرداد ماه ۱۳۹۲، منجر به تحول گفتمانی در سیاست

خارجی شد. روحانی به‌عنوان حامل گفت‌وگو اعتدال و یا اعتدال‌گرایی، توانست در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی کشور تغییراتی را ایجاد کند؛ گفت‌وگویی که بسیاری از تصمیمات مهم سیاست خارجی آن در این مقاله، مثل روند مذاکرات هسته‌ای، نوع تعامل با کشورهای تابع متغیر فرد (سیاستمدار) در پیش‌نظریه روزنا و شخص رئیس‌جمهور و به تبع آن متغیر نقش یعنی مسئولیت‌های قبلی رئیس‌جمهور به‌عنوان یک حقوقدان بوده که قبلاً در مسئولیت‌هایی مثل رئیس تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای، دبیر شورای عالی امنیت ملی و نماینده رهبری در شورای عالی امنیت ملی بوده است. از این منظر رفتارهای خارجی کشور تابع مناصبی است که در فرآیند سیاست‌گذاری نقش دارند و نمود این مسئله را در سیاست خارجی دولت یازدهم و اولویت بندی موضوعات ملاحظه می‌کنیم. همین مسئله را به نوعی دیگر در گفت‌وگو عدالت محور دولت‌های نهم و دهم شاهد بوده ایم که آمریکا توانست با ایجاد اجماع جهانی علیه ایران، پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت سازمان ملل برده، در قالب فصل هفت منشور سازمان ملل قرارداد، برنامه هسته‌ای ایران را به عنوان تهدید صلح و امنیت جهانی قلمداد کرده، گسترده‌ترین و بدترین تحریم‌ها را علیه ایران اعمال کرده و تعلیق نامحدود برنامه هسته‌ای ایران را به تصویب شورای امنیت سازمان ملل برساند. علاوه بر شش قطعنامه تحریمی سازمان ملل، آمریکا و اروپا؛ نفت، بانک مرکزی و بانک‌های بزرگ ایران را نیز تحریم کردند. با انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۹۲، روی کار آمدن دولتی اعتدال‌گرا و معتدل در تهران، از یکسو و تغییرات کلیدی در کابینه دوم اوباما و مکاتبه مهم ایشان با شخص مقام معظم رهبری، از سوی دیگر، حاکمیت جمهوری اسلامی در کنار مذاکرات چندجانبه با قدرت‌های جهانی، گفت‌وگوی مستقیم با آمریکا را از نظر سطح و محتوا ارتقا بخشیده، با انتخاب تیم مذاکره‌کننده، بحران به وجود آمده را از طریق دیپلماسی حل کرد؛ توافق هسته‌ای که به برجام معروف شد، به عنوان معامله‌ای برد-برد شناخته شد. شاید بتوان گفت: مهم‌ترین جنبه گفت‌وگو اعتدال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تنش‌زدایی است. مهم‌ترین جنبه‌های تنش‌زدایی در دولت روحانی را می‌توان دوری از تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و لزوم برقراری ارتباط، پیگیری دیپلماسی برد-برد، رعایت احترام متقابل، تدبیر و اعتدال در سیاست خارجی، ضرورت پرهیز از درگیری ایدئولوژیکی، ضرورت جدی جهت حفظ بازدارندگی، آمادگی عملی جهت همزیستی مسالمت‌آمیز و پذیرش کثرت‌گرایی سیاسی و اقتصادی دانست. دقت در برنامه‌های ارائه شده، سخنان و به‌طور کلی، رفتار و نظم گفت‌وگویی سیاست خارجی دولت یازدهم جمهوری اسلامی، نشان از رویکردی میانه در همه بخش‌ها دارد. روحانی رئیس دولت یازدهم بارها اعلام کرده از اصول خود دست نمی‌کشد و با پایبندی به این اصول سعی دارد طرف‌های مقابل را متقاعد کند که هدفی جز تعامل سازنده و مؤثر با جهان ندارد (آجیلی و افشاریان، ۱۳۹۵: ۵۳-۵۲) این اتفاق

صرفاً در سایه گفتمان اعتدال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی میسر بود. از این منظرگفتمانی که دستاورد انتخابات سال ۱۳۹۲ و پیروزی روحانی به عنوان رئیس جمهور اعتدال‌گرا و میانه‌روی بود که توانست شرایط چیرگی این گفتمان را بر سیاست خارجی کشور به شکل عام و موضع مذاکرات پرونده هسته‌ای ایران به طور خاص ایجاد کند. مهم‌ترین دستاورد گفتمان اعتدال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بهبود روابط منطقه‌ای بین‌المللی و کاهش تنش با قدرت‌های جهانی و توسعه روابط رو به افول با کشورهای اروپایی بود. دولت یازدهم در سایه گفتمان اعتدال در سیاست داخلی و خارجی خود توانست قدرت حل بحران‌های داخلی و بین‌المللی نظام را افزایش داده و چهره جدیدی از جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای ارائه دهد؛ چهره‌ای که ضمن حفظ دستاوردها و منافع و حقوق خود، به تعهدات بین‌المللی خود نیز پایبند بوده و چهارچوب‌های نظام بین‌الملل را به رسمیت می‌شناسد.

روش شناسی

با توجه به اینکه در این نوشتار، موضوع گفتمان اعتدال را در یک مقطع زمانی (دولت یازدهم) مورد بررسی قرار می‌دهیم و از سوی دیگر هدف مطالعه، شناخت کلیه متغیرهای تاثیرگذار بر متغیر اصلی یعنی گفتمان اعتدال است؛ از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است و در قسمتی از این پژوهش از طریق روش تحلیل محتوا به تحلیل شاخص‌های گفتمان اعتدال در یک مقطع زمانی یک ساله از خرداد ۱۳۹۲ تا خرداد ۱۳۹۳ شامل نقل و قول‌های رئیس جمهور در رویدادهای مختلف (سخنرانی در داخل و خارج، گفتگو با تلویزیون یا رسانه‌های داخلی و خارجی، مصاحبه‌های مختلف، سخنان در جلسات هیئت دولت، مجلس و... دیدارهای مختلف با مقامات یا اқشار مختلف جامعه، یادداشت‌های منتشر شده، ارسال پیام‌ها و کنفرانس‌های مطبوعاتی) پرداخته شده است.

گفتمان اعتدال

واژه «گفتمان اعتدال» از همان روزهای ابتدای انتخاب دولت یازدهم وارد ادبیات سیاسی کشور شد. روحانی در سخنرانی مراسم معرفی وزرای پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی در مردادماه سال ۱۳۹۲ در تبیین این گفتمان می‌گوید: «گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت تدبیر و امید، حرکت واقع‌بینانه، خودباورانه، متوازن، هوشمندانه و تعامل سازنده و تفاهم به‌منظور ارتقاء جایگاه، منزلت، امنیت و توسعه کشور است. در گفتمان اعتدال، افراط و تفریط جایی نخواهد داشت. سیاست خارجی دولت مبتنی بر حراست از امنیت ملی، تأمین منافع ملی و در

خدمت توسعه همه‌جانبه و هدفمند کشور خواهد بود. فرصت‌سازی، تهدیدزدایی و جلوگیری از افزایش تنش در حوزه‌های منافع حیاتی، ایجاد اعتماد متقابل و در یک کلام، تعامل مؤثر و سازنده با دیگران، محور اصلی برنامه‌ریزی کلان دولت در حوزه سیاست خارجی می‌باشد. تعامل مؤثر و سازنده‌ای که از آن سخن می‌گوئیم، همواره بر پایه احترام متقابل و منافع مشترک و از موضع برابر صورت خواهد گرفت. توجه به تمامی حوزه‌های دیپلماسی به‌ویژه دیپلماسی عمومی و بهره‌گیری هوشمندانه از کلیه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های انسانی و مادی کشور برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های سیاست خارجی، رویکرد دولت در اجرای سیاست خارجی خواهد بود. برای حصول به این مهم، احیاء و ارائه چهره مطلوب نظام جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی ضرورت دارد» (روحانی، ۲۱ مرداد ۱۳۹۲). روحانی در همین سخنرانی به شکل دقیقی تصویری مشخص از سیاست خارجی دولت یازدهم بر مبنای گفتمان اعتدال ارائه می‌دهد. او اعلام می‌کند که «در زمینه سیاست خارجی، باور این دولت برای تحقق اهداف ارزشمند اما دشوار، اتخاذ و بهره‌گیری از مشی و سیاست مبتنی بر اعتدال است. اعتدال به معنای ایجاد توازن میان آرمان و واقعیت در مسیر جهت دادن واقعیات به سمت آرمان‌هاست. دستگاه سیاست خارجی کشور باید چنان توانا، مدبر، هوشیار و سریع‌العمل باشد تا بتواند در قبال تحولات تأثیرگذار داخلی و خارجی، لحظه‌ای در حراست از منافع و امنیت ملی غفلت نکند و تلاش من این است که با بهره‌گیری از نیروهای کاردان و توانمند، دستگاه سیاست خارجی را تقویت و کارآمد نمایم. این تلاش همان رویکرد شایسته‌سالاری است که همواره بر آن پای فشرده‌ام. سیاست خارجی، عرصه جاروجنگال‌های سیاسی، رسانه‌ای، حزبی و جناحی نیست. چنین عرصه خطیری، انضباط در کلام و گفتار، طراحی و ارائه مواضع منسجم، متعادل، سنجیده، همه‌جانبه و اجرای دقیق و حرفه‌ای را می‌طلبد؛ زیرا سیاست خارجی عرصه تصمیم‌گیری است و تصمیم‌گیری در گرو دقت در فکر و عمل است. کوچک‌ترین بی‌دقتی در سیاست خارجی، مخل امنیت ملی بوده و در مواقعی موجب آسیب‌هایی غیرقابل جبران می‌گردد» (همان).

روحانی حتی در سخنرانی‌های بین‌المللی خود در مجامع جهانی هم سعی کرد تا این تغییر گفتمانی در فضای سیاسی ایران و بخصوص سیاست خارجی را تبیین کند. وی در تبیین گفتمان اعتدال در سخنرانی در شصت‌و‌هشتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلام کرد: «ترکیب امید و تدبیر و اعتدال در سیاست خارجی به آن معناست که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای نسبت به امنیت منطقه و جهان، مسئولانه برخورد می‌کند و آمادگی همکاری چندجانبه و همه‌جانبه با سایر بازیگران مسئول در این عرصه‌ها را دارد. ما از صلح مبتنی بر دموکراسی و صندوق رأی در همه جای جهان از جمله در سوریه و بحرین و دیگر کشورهای منطقه دفاع می‌کنیم و معتقدیم راه‌های خشونت‌آمیز برای بحران‌های جهانی وجود ندارد و تنها

به کمک خرد انسانی و با تعامل و اعتدال می‌توان بر واقعیت‌های تلخ جامعه بشری غلبه کرد. لذا تضمین صلح و دموکراسی و تأمین منافع مشروع همه کشورها در جهان و از جمله در منطقه خاورمیانه، با نظامی‌گری محقق نمی‌شود» (روحانی، ۳ مهر ۱۳۹۲). گفتمان اعتدال با همه ابهاماتی که برای بسیاری از منتقدین آن داشت و با وجود آنکه برخی این جریان را نه یک گفتمان غالب در عرصه سیاست ایران، بلکه یک خرده گفتمان فرعی تلقی می‌کردند؛ اما توانست سیاست خارجی جمهوری اسلامی را دگرگون کند. با توجه به تعریف عملیاتی از گفتمان اعتدال که در آن ۸ شاخص اصلی شامل: آرمان‌گرایی، واقع بینی، عقل‌گرایی متوازن، تکلیف‌گرایی معطوف به نتیجه، تعامل‌گرایی موثر و سازنده، صلح‌طلبی مثبت، توسعه‌گرایی متوازن و چندجانبه‌گرایی متوازن ذکر شد به تحلیل محتوا سخنان رئیس جمهور در چهارچوب هشت‌گانه گفتمان اعتدالی از خرداد ۱۳۹۲ تا خرداد ۱۳۹۳ پرداخته شده است.

جدول ۱- عناصر گفتمان اعتدال گرایی

۱۲ رویداد	آرمان‌گرایی
۲۷ رویداد	واقع بینی
۱۵ رویداد	عقل‌گرایی متوازن
۱۶ رویداد	تکلیف‌گرایی معطوف به نتیجه
۱۰ رویداد	تعامل‌گرایی موثر و سازنده
۱۴ رویداد	صلح‌طلبی مثبت
۱۴ رویداد	توسعه‌گرایی متوازن
۱۱ رویداد	چندجانبه‌گرایی متوازن

برای چهارچوب بندی سخنان رئیس جمهور و اثبات فرضیه مبنی بر اولویت عنصر نقش کلیه سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، گزارشات، دیدارها و... رئیس جمهور را از سخنرانی ۱۳ مرداد ۱۳۹۲ در مراسم تحلیف تا ۱۳ مرداد ۹۳ یعنی یک سال بعد، در قالب ۸ عنصر کدبندی و چهارچوب بندی شده است.

سیاست خارجی دولت یازدهم

اوضاع نابسامان اقتصادی کشور را در اواخر دولت دهم و بحران‌های اجتماعی ناشی از آن، بیش از آنکه ریشه داخلی داشته باشد ریشه بین‌المللی داشت. تحریم‌های گسترده ایران در پرونده هسته‌ای، کاهش مناسبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورهای جهان (منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای)، اجماع جهانی علیه ایران در مساله هسته‌ای، منجر به ایجاد شرایطی شده بود که

تغییر در سیاست خارجی را به کلید اصلی حل مشکلات کشور بدل ساخته بود. پیروزی روحانی در انتخابات سال ۱۳۹۲ همه مردم را به انجام تغییرات اساسی در رویکرد سیاست خارجی به بن‌بست رسیده دولت قبلی امیدوار کرده بود. روحانی رئیس‌جمهور دولت یازدهم در مراسم تودیع و معارفه وزیر امور خارجه خود (محمدجواد ظریف) پیام انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ را تحول در سیاست خارجی کشور می‌داند و به صراحت می‌گوید: «یکی از پیام‌های مهم ۲۴ خرداد و این انتخابات، تجدیدنظر در سیاست خارجی نه به مفهوم تغییر در اصول و مبانی که سر جای خودشان هستند و ثابت هستند اما تغییر در شیوه‌ها، نحوه عملکرد و تاکتیک‌ها که مورد نظر مردم بود، می‌باشد. سیاست خارجه جای شعار نیست، اگر خیلی دوست داریم از مردم تکبیر بگیریم، راه دیگری هم وجود دارد. اگر می‌خواهیم از عده‌ای کف بگیریم، راه دیگری وجود دارد. حق نداریم سیاست خارجی را برای تکبیر و کف صرف کنیم، سیاست خارجی بسیار حساس است و اگر من تعبیر کنم کلید حل مشکلات ما در این مقطع در دست سیاست خارجی و آنهایی است که باید بار امانت سیاست خارجی را بر دوش بکشند. سخنی به گزاف نگفته‌ام. باید افرادی حرفه‌ای با کار دقیق کارشناسی و ایثار و فداکاری و رویی گشاده و شهامت در عرصه سیاست خارجی حضور داشته باشند. ما در بیان منافع مان باید با کمال شهامت حرف بزنیم و با هیچ‌کس تعارف نداریم اما سخن ما باید عاقلانه، دقیق و منطقی باشد. سیاست خارجی جای شعر و شعار نیست. جای فهم درست وقایع جهانی است. ما اگر نتوانیم وقایع جهانی را درست لمس و درک کنیم و سپس نتوانیم درست تحلیل کنیم و پس از آن نتوانیم در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و سپس در اجرا موفق باشیم، قطعاً ناموفق خواهیم بود» (روحانی، ۲۶ مرداد ۱۳۹۲). وی در سخنرانی در مراسم تحلیف خود، سیاست خارجی خود را چنین معرفی کرد: «در عرصه سیاست خارجی، با قاطعیت تمام و به‌عنوان منتخب مردم شریف ایران، اعلام می‌دارم که جمهوری اسلامی ایران در پی صلح و ثبات منطقه است. ایران لنگرگاه ثبات در این منطقه پرآشوب است. ما در پی تغییر مرزها و دولت‌ها نیستیم. نظام سیاسی هر کشور به خواست و اراده عمومی مردم آن کشور بستگی دارد. ما با هر گونه دگرگونی در نظام‌های سیاسی از طریق مداخلات خارجی مخالفیم و به‌کارگیری زور را نقطه مقابل مردم‌سالاری و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها می‌دانیم. مخالفت و ستیز با هر گونه زورگویی، سلطه و تجاوز مخصوصاً تعرض نظامی، جزئی از فرهنگ اسلامی، انقلابی و ایرانی ماست. آرامش و ثبات در همه مناطق پیرامونی ما نه فقط یک آرزو و خواست بلکه نیاز و ضرورتی همه‌جانبه برای جمهوری اسلامی ایران است.» (روحانی، ۱۳ مرداد ۱۳۹۲). آثار تغییرات مورد نظر روحانی در سیاست خارجی ایران به سرعت نمایان می‌شود. وی در دیدار نوزدهم جمعی از وزرا و مدیران کل دستگاه‌های اجرایی در نوروز ۱۳۹۳ با اشاره به تحولات رخ داده در دیپلماسی کشور چشم‌انداز سیاست خارجی را

چنین ترسیم می‌کند: «در عرصه سیاست خارجی حرکت خوب، پرشتاب و مطمئنی آغاز شده و گام‌های صحیحی برداشته شده است. امروز به هر کجا که می‌رویم، با شرایطی متفاوت از قبل مواجه می‌شویم و هیئت‌های فراوان اقتصادی و سیاسی به ایران سفر کرده و در سفرهای خارجی مشتاق ملاقات با ما هستند. نمی‌خواهم بگویم این پایان راه است بلکه تازه آغاز راه است که آغاز خوبی هم هست. در عرصه سیاست خارجی برای بازسازی شرایط نامناسبی که در سال‌های گذشته ایجاد شده بود نیاز به زمان، تلاش، هماهنگی و انسجام داریم و باید خیلی کار کنیم. ساختمانی که در ۸ سال گذشته خراب شده است در چند ماه درست نمی‌شود اما جای امیدواری است که امروز کار به درستی آغاز شده و در حال برداشتن آوارها هستیم، مسئولان جدیدی که بر سر کار آمده‌اند، به کار خود کاملاً وارد هستند و کارها به خوبی در حال انجام است» (روحانی، ۹ فروردین ۱۳۹۳). سیاست خارجی دولت یازدهم با محوریت اعتدال و پرهیز از هرگونه افراط توانست بحران ناشی از فشارهای بین‌المللی در مساله پرونده هسته‌ای ایران را تا حد زیادی حل کند. مذاکرات فشرده با قدرت‌های جهانی که در نهایت منجر به «برجام» شد، دولت روحانی را به موفقیت قابل قبولی برای مردم ایران رساند و منجر به پیروزی مجدد ایشان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶ با آراء بیشتری نسبت به دوره قبل شد. این موفقیت را صرفاً در چهارچوب گفتمان اعتدال می‌توان تفسیر کرد؛ بی‌شک گفتمان اعتدال که بردولت یازدهم حاکم بود رفتارها و گفتارهایی را در عرصه سیاست داخلی و خارجی به وجود آورد که مسیر تغییر سیاست خارجی جمهوری اسلامی را در راستای تعامل سازنده با حفظ حقوق و منافع ملی قرار داد.

چهارچوب نظری

ادعای اصلی نوشتار آن است که تا حدود بسیار زیادی از طریق مدل پیوستگی روزنا می‌توان تغییرات سیاست خارجی در دولت یازدهم را تشریح کرد. بنابراین مقاله حاضر سعی دارد تا علل تغییر رفتار سیاست خارجی دولت یازدهم را براساس پیش‌نظریه جیمز روزنا تبیین کند. جیمز روزنا که در مدل‌های نظری تجزیه و تحلیل سیاست خارجی، نماینده تلفیق دو سطح تحلیل خرد و کلان به‌شمار می‌رود، بر این باور است که در بررسی و تحلیل سیاست خارجی هر کشوری بایستی به ۵ دسته از متغیرهای اصلی فرد، نقش، حکومت، جامعه و در نهایت نظام بین‌المللی توجه شود. روزنا تلاش می‌کند تا ضمن توجه هم‌زمان به دو سطح کلان و خرد و تلفیق این دو، در بررسی عناصر و پارامترهای سطح خرد، به دو محیط عملیاتی و روانشناختی توجه نماید (قوام، ۱۳۹۶: ۴۷۵). در همین راستا وی در سطح تحلیل خرد به ۴ عامل فرد، نقش،

متغیرهای حکومتی و متغیر شخصیت فردی تصمیم‌گیرندگان، نقش، حکومت و عوامل اجتماعی توجه داشته و به این عوامل، عامل مهم محیط بین‌المللی را نیز در سطح کلان اضافه نموده است (Rosenau, 1971: 98). پیش‌نظریه روزنا به ۳ معیار برای گونه‌شناسی دولت و ۵ متغیر در تحلیل سیاست خارجی اشاره دارد. سه گونه دولت به شناخت اندازه (کوچک یا بزرگ بودن کشورها)، میزان توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی، باز بودن و بسته بودن نظام سیاسی می‌پردازد (Ibid, p.47) پس از این مرحله، باید ۵ متغیر مهم تأثیرگذار داخلی و خارجی مورد توجه قرار گیرد. برای شناخت این‌که سیاست خارجی توسط عوامل داخلی و خارجی شکل می‌گیرد، مشخص نمی‌سازد که چطور این دو حوزه ترکیب می‌شوند یا یک شرایط بر دیگری غلبه می‌یابد (Ibid, p.31). به واقع، طرح عوامل مختلف تأثیرگذار بر فرآیند سیاست خارجی تنها اشاره ساده و ترکیبی از چند عامل نیست بلکه تلاش بر این است که پویایی فرآیند سیاست خارجی از طریق این عوامل نشان داده شود.

عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی دولت یازدهم

در نظریه جیمز روزنا، پنج متغیر مهم تأثیرگذار بر سیاست خارجی مورد توجه قرار دارد: فرد، نقش، حکومت، اجتماع و نظام بین‌الملل. در اینجا سعی بر این است که به این پنج متغیر و تأثیرگذاری آن در سیاست خارجی دولت یازدهم پرداخته شود. این بررسی امکان و درک بهتری از سیاست خارجی دولت یازدهم فراهم می‌آورد.

متغیر فرد در دولت یازدهم

در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی دولت اعتدال بیش از هر چیز باید بر نقش افراد تصمیم‌گیرنده اصلی در فرآیند تصمیمات هسته‌ای و نقش باورها و فرآیندهای شناختی و روانی آنها، درک‌شان از مقدمات و محذورات داخلی و بیرونی (محیط روان‌شناختی و محیط عملیاتی)، میزان تطابق باورها و شناخت‌شان از محیط، چه داخلی و چه بیرونی توجه کرد. در همین زمینه، شناخت این باورها را می‌توان از روش کنش‌های گفتاری و اقدامات عملی این افراد کسب کرد. در همین زمینه روحانی در کتاب خود با عنوان «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای» بر این نکته تأکید می‌کند که این‌که چه کسی رئیس‌جمهور و یا مسئول تیم مذاکرات باشد، بسیار مهم است (روحانی، ۱۳۹۱: ۱۱۴). بنابراین نوع برداشتی که این تصمیم‌گیرندگان اصلی از محیط درونی و بیرونی دارند، ادراکات آنها از دیگری (این دیگر می‌تواند غرب در کل و یا آمریکا به‌طور خاص باشد)، در قالب دوست، دشمن و یا رقیب بسیار می‌تواند در شکل‌دهی و جهت‌گیری سیاست

هسته‌ای در زمینه تاکتیک‌ها و نه استراتژی کلی نظام در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای مؤثر باشد. به‌عنوان مثال روحانی بر این باور است که قطع رابطه با کشورهای دیگر امکان‌پذیر نیست، قطع رابطه نه شدنی است، نه امکان‌پذیر که انزوا حاصل شود و نمی‌توان کشور را از جهان جدا کرد. کلید حل معضلات تدبیر است، بنابراین دولت ایران می‌تواند با دنیای بیرون تعامل کند. حتی در زمینه هسته‌ای که یکی از حساس‌برانگیزترین و پرچالش‌ترین مباحث سیاست خارجی ایران در دهه گذشته بوده است (روحانی، ۱۳۹۲). در همین چهارچوب می‌توان این‌گونه بیان کرد که روحانی و تمامی افراد مهم دیگر در فرآیند تصمیم‌گیری هسته‌ای در کابینه وی، براساس ادراکات خود از محیط بیرونی و باورهای شخصی در تلاش هستند تا با برقراری تعادل و توازن میان تقابل بازدارنده، به‌عنوان دال مرکزی گفتمان ستیزش و تسلیم بازدارنده به‌عنوان دال مرکزی گفتمان سازش، تعامل سازنده را به‌عنوان دال مرکزی گفتمان اعتدال تعیین و هژمون نمایند (دهقانی‌فیروزآبادی و مهدی عطایی، ۱۳۹۳: ۱۰۵). در واقع تعامل سازنده را می‌توان بر مبنای مفاهیمی چون هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، تنش‌زدایی، اعتمادسازی، احترام متقابل، منافع متقابل و تفاهم تعریف کرد (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۷). در همین زمینه دکتر روحانی در یکی از سخنرانی‌های خود بیان می‌کند که «ضروری می‌دانم در زمینه سیاست خارجی و مسئله هسته‌ای نکاتی را به عرض ملت ایران برسانم. سیاست دولت در زمینه مسائل خارجی و از جمله مسئله هسته‌ای، سیاست اعتدال است یعنی نه تسلیم و سازش و نه تقابل و درگیری» (سخنرانی ۱۳۹۲/۱۱/۲۲).

متغیر نقش در دولت یازدهم

روزنا بر این باور است که نقشی که تصمیم‌گیرندگان اصلی سیاست خارجی اشغال می‌کنند، مثل نقش ریاست جمهوری، نقش وزیر امور خارجه و... می‌تواند به‌عنوان یکی از سطوح اصلی در سطح خرد مورد توجه قرار گیرد. در زمینه بررسی سیاست هسته‌ای دولت اعتدال نیز از این منظر می‌توان بر نقش‌های درگیر در این فرآیند بدون در نظر گرفتن خصوصیات فرد و یا افرادی که آن را اشغال می‌کنند، اشاره کرد. به‌عنوان مثال؛ نقش رئیس‌جمهور و حدود اختیارات و وظایف وی در زمینه سیاست‌گذاری هسته‌ای، نقش وزیر امور خارجه، تیم مذاکره‌کننده و یا نقش دبیر شورای عالی امنیت ملی و اختیاراتی که این نقش‌ها با توجه به اصول قانون اساسی در زمینه سیاست‌گذاری هسته‌ای دارند. در همین زمینه به گفته مهدی محمدی از اعضای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای در دوران سعید جلیلی، در هیچ‌یک از دوره‌های مختلف، تیم مذاکره‌کننده سیاست‌گذار نبوده است و مذاکره‌کنندگان فقط مجربانی هستند که سیاست‌ها را تبدیل به دیپلماسی

می‌کنند (محمدی، ۱۳۹۲: ۱۱۷). در این متغیر، رئیس‌جمهور در دولت جمهوری اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است. روحانی، مهم‌ترین موضوع سیاست خارجی را برداشتن تحریم‌های ظالمانه شورای امنیت سازمان ملل علیه کشور و برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز قرار داده است. این طرح با توجه به نقش قبلی روحانی در دولت اصلاحات به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی و مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای صورت گرفته و در جایگاه و نقش جدید مسئولیت اصلی پیگیری پرونده هسته‌ای را بر عهده گرفته است. تا پیش از این دبیر شورای عالی امنیت ملی تابع نظر رهبری و رئیس‌جمهور وقت بوده است، اما در حال حاضر رئیس‌جمهور باید با هماهنگی مقام رهبری برنامه هسته‌ای را دنبال کند. پیشینه رئیس‌جمهور دولت یازدهم در این زمینه به دو دلیل اهمیت دارد: نخست این‌که به عنوان مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای از بسیاری از مباحث فنی و تخصصی برنامه هسته‌ای کشور آگاه است. همچنین در دولت نهم و دهم به عنوان نماینده رهبری در شورای عالی امنیت ملی حاضر بوده و بر تمامی تحولات هسته‌ای کشور نیز آگاهی داشته است. این اشراف کاری و اطلاعاتی با جایگاه جدیدی که به عنوان رئیس‌جمهور کسب کرده است، توان مضاعفی در پیشبرد و هدایت مذاکرات هسته‌ای جدید برای وی ایجاد کرده است. دوم، برجام که یکی از مهمترین دستاوردهای دولت یازدهم است در واقع ادامه وجه دیگری از توافق پاریس است که در زمان دولت اصلاحات در حال پیگیری بود و به واسطه تعلل کشورهای غربی در همکاری با ایران، به‌طور یکجانبه از طرف ایران با راه‌اندازی نیروگاه اصفهان در اواخر عمر دولت هشتم، ملغی شد. با توجه به پیشینه فعالیت رئیس‌جمهور دولت یازدهم به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی و افزایش نقش و جایگاه وی در ساختار تصمیم‌گیری ایران و افزایش میزان سانتریفیوژهای ایران به واسطه تعلل طرف غربی در دولت‌های نهم و دهم، نوعی اطمینان از امکان پیشبرد توافق جدید با ایران برای طرف‌های مذاکره‌کننده ایران و پایبندی رئیس‌جمهور جدید به توافقات انجام شده و همچنین رسیدن به یک چهارچوب قابل نظارت و قبول برای دستیابی ایران به اتم برای صلح و پیشرفت فراهم شد. در واقع، طرح نسبتاً آماده و بررسی شده‌ای از قبل وجود داشته که با تغییر چهارچوب کار آن در دستورکار قرار گرفت و با پشتوانه قوی‌تر برای مذاکره هسته‌ای مورد توجه قرار گرفت. در این طرح نه تنها رئیس‌جمهور دولت یازدهم سعی در رفع تحریم‌ها داشت بلکه سعی کرد غنی‌سازی را در داخل کشور حفظ و توان هسته‌ای ایران را به‌روز کند. به عبارت دیگر؛ رئیس‌جمهور دولت یازدهم به دنبال چیزی بود که در جریان رقابت‌های انتخاباتی‌اش از آن به «چرخش هم‌زمان سانتریفیوژ و کارخانه» نام برد. توافق برجام تنها پس از دو سال از روی کار آمدن دولت یازدهم نشان از توان رئیس‌جمهور دولت یازدهم در به‌کارگیری نقش جدید در هدایت دیپلماسی کشور دارد؛ زیرا در دوره جدید توافق طرف آمریکایی که مهمترین طرف اصلی بحران‌سازی در پرونده هسته‌ای ما بوده از نقش ناظر به عنوان یکی از طرف‌های

اصلی مذاکره وارد شد. وارد کردن آمریکا به مذاکره باعث شد تا بسیاری از مشکلات قبلی که در توافق پاریس پیش آمده بود فایق آید. مهمترین دلیل مشکل توافق پاریس، بهره‌برداری طرف اروپایی از عدم همکاری آمریکا بود (روحانی، ۱۳۹۲: ۵۴۲). این بهانه باعث افزایش تعلل طرف غربی شد و ایران را به اقدام متقابل در کنار گذاشتن تعلیق موقت سوق داد. از آنجا که هیچ یک از کشورهای مذاکره‌کننده در ایجاد میانجی‌گری صالح نبودند و تجربه دولت‌های هشتم تا دهم هم این موضوع را ثابت کرده بود، ضروری بود این روابط و مناسبات شکل گیرد. در عین حال ورود آمریکا به میز مذاکرات، امکان تعهد و پایبندی این کشور را به توافقات انجام شده افزایش داده است. در گذشته آمریکا سعی داشت تا نه تنها به صورت ناظر در مذاکرات شرکت کند بلکه این امکان را داشت که هرگاه بخواهد از زیر بار تعهدات شانه خالی کند اما در شرایط کنونی این امکان از این کشور گرفته شده است. همچنین در کنار تمام این مباحث بسیاری از تحریم‌های اصلی و قوی از طرف آمریکا صورت گرفته بود و بدون تعهد آمریکا در عمل برداشتن تحریم‌های دیگر از جمله از جانب طرف اروپایی، ضمانت اجرای کافی نداشته است. این مذاکره با آمریکا در حالی صورت گرفت که روابط ما با این کشور از حالت تخصیصی خارج نشده است و بدون این که آرمان‌های انقلاب اسلامی در مقابله با کشورهای ظالم و متخاصم با جمهوری اسلامی تحت تأثیر قرار گیرد، انجام شد. این امر علی‌رغم تماس تلفنی باراک اوباما با روحانی در سفر نخست ایشان به نیویورک در سال ۱۳۹۲ و شرکت در نشست مجمع عمومی سازمان ملل، نشانه تحول جدی در روابط ایران و آمریکا نبود و لذا نوعی واقع‌گرایی در راستای آرمان‌گرایی در پیشبرد توافق برجام بود. همچنین ایران بدون این که مسائل منطقه‌ای خود و حمایت از متحدان خود در منطقه و جهان را وجه المصلحه برنامه هسته‌ای خود قرار دهد، به توافق برجام رسید. ایران تنها در مورد برنامه هسته‌ای خود با طرف غربی وارد مذاکره شد و در واقع اگر قرار بود تحریم‌ها رفتار سیاست خارجی کشور را تغییر دهد که حداقل ایران برای رسیدن به برنامه هسته‌ای خود تغییر رفتار در سیاست خارجی منطقه‌ای خود دهد و دست از آرمان‌های خود بردارد، نیز صورت نگرفت. درحقیقت تحریم‌های قبلی غرب نه تنها برنامه هسته‌ای ایران را متوقف نکرد بلکه ضمن پذیرش غنی‌سازی کشور، رفتار سیاست خارجی ایران را نیز نتوانست تحدید کند. تمامی این موارد نشان از آن دارد که رئیس دولت یازدهم از تجربه، جایگاه و نقش خود نهایت استفاده را برای پیشبرد برنامه خود داشته است و توانسته بر عوامل اداری و بین‌المللی و مشکلات مختلف سیاسی داخلی نظیر مخالفان سیاسی و مسائل اقتصادی فایق آید و بتواند نقش خود را به عنوان رئیس‌جمهور در هدایت برنامه سیاست خارجی و توافق برجام به پیش ببرد.

متغیر حکومت در دولت یازدهم

در دولت جمهوری اسلامی یکی از متغیرهای مهم و اصلی، متغیر حکومت است. علی‌رغم این‌که اجرای سیاست خارجی عمدتاً در حوزه اختیارات قوه مجریه است، اما قوای دیگر در تدوین و همچنین نظارت بر سیاست خارجی نقش مؤثری دارند. در این سطح از تحلیل باید برای شناخت و تجزیه و تحلیل سیاست هسته‌ای دولت اعتدال، به نوع نظام سیاسی حاکم بر ایران و تعریفی که این نظام از هویت و نقش خود در ارتباط با دنیای بیرون ارائه می‌دهد، توجه کرد. نهاد رهبری اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی اختیار اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها را بر عهده دارد. همچنین بر اساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی، تمامی مصوبات شورای عالی امنیت ملی به‌ویژه در حوزه خارجی باید به تأیید رهبری برسد و رهبری دو نماینده نیز در شورای عالی امنیت ملی دارد. به این دلیل در موارد حساس و استراتژیک، تأیید و حضور رهبر یا نمایندگان رهبری امری ضروری است. این موضوع می‌تواند در شرایط حساس منجر به همگونی مسائل خارجی و ایجاد نوعی اجماع در نظام تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی در موضوعات حساس مثل جنگ و صلح و یا مسائل راهبردی گردد. برای مثال در دولت یازدهم، دستور شروع مذاکره با هسته‌ای با کشورهای غربی را ایشان با طرح «نرمش قهرمانانه» صادر کردند و منظور از نرمش قهرمانانه را کاربرد هم‌زمان انعطاف و قدرت برای شکست دشمن دانستند. در این راستا ایشان نرمش قهرمانانه را به معنی گذر از آرمان‌ها ندانسته و عدم اعتماد به آمریکا را شرط جلوگیری از انفعال و دوگانگی در جمهوری اسلامی دانستند. در واقع انعطاف به معنی وادادگی و انفعال نیست. در همین رابطه ایشان به ویژگی‌های دیپلماسی موفق نیز اشاره دارند که از جمله آنها ضرورت تعیین دقیق و صریح هدف‌ها، سازماندهی مناسب، توجه به صلاحیت‌های دیپلماتیک نظیر هوش و مهارت دیپلماتیک، انعطاف در جای لازم، نفوذناپذیری در مواقع ضروری، پابندی صادقانه و عمیق به اهداف؛ تحرک فراوان و بی‌وقفه؛ شکار فرصت‌ها و استفاده صحیح از آن؛ و تأکید بر نیروهای درون‌زا را می‌توان اشاره کرد (۱۳۹۲/۵/۲۲). ایشان در کنار این موضوع در مواقعی با فشار از بیرون نیز مذاکره، تأثیر جدی بر جریان مذاکرات داشتند و با طرح الزاماتی به پیشبرد مذاکره و کاهش تعلل طرف غربی به‌واسطه تجربه زمان پایان دولت هشتم، کمک فراوانی کردند. برای مثال، الزامات توافق هسته‌ای را در ۷ بند مورد توجه قرار دادند که عبارتند از عدم پذیرش محدودیت‌های بلندمدت؛ ادامه کار تحقیق و توسعه و ساخت و ساز در زمان محدودیت؛ لغو فوری تحریم‌های اقتصادی، مالی و بانکی هنگام امضای موافقت‌نامه‌ها و سایر تحریم‌ها در فواصل معقول، منوط نشدن لغو تحریم‌ها به اجرای تعهدات ایران، مخالفت با موکول کردن هر اقدامی به گزارش آژانس، مخالفت با بازرسی‌های غیرمتعارف، پرس‌وجو از شخصیت‌های ایرانی و بازرسی از مراکز نظامی و درنهایت مخالفت با زمان‌های ۱۵ و ۲۵ سال برای خاتمه برخی

موضوعات. بر این اساس در موارد حساس و ضروری، مقام معظم رهبری نقش مهمی در فرایند سیاستگذاری خارجی در دولت یازدهم داشتند. پس از نهاد رهبری و رئیس‌جمهور نقش هیئت دولت نیز در سیاست خارجی مهم است. هیئت دولت از طریق بررسی برنامه پیشنهادی دولت، اعمال صادرات و واردات، فروش نفت و کالاهای اساسی، برقراری یا قطع روابط دیپلماتیک، کاهش یا گسترش روابط با سایر دولت‌ها، می‌تواند مؤثر باشد. مجلس شورای اسلامی یکی دیگر از نهادهایی است که در تدوین و نظارت بر سیاست خارجی بیشترین نقش را دارد. بر اساس اصول ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۲ و ۱۳۹ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی از طریق تصویب کلیه عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، تصویب هرگونه تغییر جزئی در خطوط مرزی، تصویب ارجاع به داوری و هرگونه صلح و دعاوی راجع به اموال عمومی خارجی، تصویب دریافت و اعطای هر نوع وام یا کمک‌های بلاعوض، تصویب استخدام کارشناسان در مسائل غیرنظامی در تدوین و از طریق کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی نیز بر فرایندهای سیاستگذاری خارجی نظارت دارد. مهم‌ترین اقدام کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در دولت یازدهم، نظارت بر اجرای برجام برای «اقدام متقابل و متناسب دولت ایران در اجرای برجام» است که هر شش ماه پس از برگزاری جلسات مختلف با مقامات وزارت خارجه گزارشی به صحن علنی مجلس شورای اسلامی ارائه می‌کند. شورای عالی امنیت ملی نیز در مسائل حساس، استراتژیک و مرتبط با امنیت ملی کشور در حوزه خارجی به واسطه حضور تقریباً تمامی مقامات لشگری و کشوری از جایگاه خاصی برخوردار است. این شورا در مواردی از زمان دولت اصلاحات تا پایان دولت دهم، بیش از جایگاه قانونی خود که نقش هماهنگی و پشتیبانی مسائل امنیت ملی و استراتژیک خارجی را برعهده دارد؛ دبیران این شورا در بازه زمانی اشاره شده؛ نقش مذاکره‌کننده را که از وظایف مبرهن وزارت خارجه است، نیز ایفا کرده‌اند. در دولت یازدهم کارگروهی نیز در شورای عالی امنیت ملی با حضور روحانی، علی لاریجانی، علی اکبر ولایتی، علی شمخانی، محمدجواد ظریف، حسین دهقان، علی اکبر صالحی و سعید جلیلی تشکیل شد تا روند اجرایی شدن برجام را مورد بررسی و نظارت قرار دهند.

متغیر اجتماعی در دولت یازدهم

این متغیر در دولت یازدهم بیشتر متوجه مباحث اقتصادی می‌شود. از آنجا که تأثیر تحریم‌های اقتصادی غیرعادی علیه کشور بر محیط داخلی و فضای اجتماعی بسیار فراینده بود، امکان ایجاد برخی شکاف‌های اجتماعی و یا تغییر جهت‌گیری ارزشی در سیاست خارجی قابل طرح بود. بر همین اساس، حوزه اقتصادی از اهمیت خاصی در تحلیل سیاست خارجی دولت برخوردار

است. ضعف‌های جدی و ملموس اقتصادی دولت دهم یکی از زمینه‌های جدی پیروزی دولت یازدهم بود و به همین دلیل پاشنه آشیل دولت‌ها در کشور، ثبات بازار و بهبود معیشت مردم و رونق کسب و کار است. دولت یازدهم و گروه‌های مقابل این دولت به خوبی آگاه هستند که وضعیت اقتصادی می‌تواند معیار بسیار مهمی در کارآمدی دولت باشد و بر روی بسیاری از مسائل اجتماعی و فرهنگی تأثیر جدی می‌گذارد. بر این اساس بررسی حوزه اقتصادی در اولویت قرار گرفته است. وضعیت اقتصاد کشور قبل از دولت یازدهم در شرایط رکود تورمی قرار داشت. به عبارت دیگر، از یک سو اقتصاد با رکود و رشد منفی جدی مواجه بود و از سوی دیگر، تورم دورقمی بسیار بالا را تجربه کرد. این وضعیت باعث شده اقتصاد کشور درگیر پنج مشکل بنیادین تورم، رکود، اشتغال، فاصله طبقاتی و فقر و در نهایت رانت و فساد اقتصادی شود. با روی کار آمدن دولت یازدهم، وضعیت مالی و پولی مثل قیمت دلار و ارز و طلا و بازار مسکن تاحدی کنترل و ثابت باقی ماند و این کار خود کمک بزرگی به وضعیت تولید در کشور بود که عمدتاً در ارتباط با خارج از کشور قرار دارند. دولت یازدهم، بهبود فضای خارجی و سیاست درهای باز اقتصادی را در چهار سال اول خود بسیار کلیدی می‌دانست. هدف دولت یازدهم این است که نخست مبلغ ۴٫۲ میلیارد دلار از دارایی مسدود شده ایران به کشور باز گردد. در مرحله بعدی، هدف دولت یازدهم این بود که تحریم‌های ظالمانه و ناعادلانه علیه کشور را به طور کامل برچیند. این کار قرار بود در مذاکرات هسته‌ای با ۵+۱ دنبال گردد که با توجه به شرایط کنونی و وضعیت روابط ایران با قدرت‌های مطرح بین‌المللی و با توجه به این‌که این تحریم‌ها طی ۶ سال اخیر اعمال شده، شاید در خوشبینانه‌ترین سناریو با توجه به چالش‌های برجام به ویژه موضع گیری‌های آمریکا پس از روی کار آمدن ترامپ چندان دورنمای مشخصی برای برچیدن تحریم‌ها وجود نداشته باشد و حتی اگر توافق در این زمینه هم صورت گیرد، باز فرایند اجرایی آن بسیار زمان‌بر است.

متغیر نظام بین‌الملل در دولت یازدهم

یکی از مهمترین متغیر سیستمی تأثیرگذار بر پیروزی دولت یازدهم و همچنین تحلیل سیاست خارجی دولت یازدهم، موضوع تحریم‌های بین‌المللی فزاینده و بی‌سابقه علیه کشور در دولت‌های نهم و دهم بود. جدا از تحریم‌هایی که از ابتدای انقلاب اسلامی، آمریکا علیه کشور ما داشته است، تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران از اهمیت بسیاری برخوردار بود. تنها در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ شش قطع‌نامه ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵، ۱۹۲۹ توسط شورای امنیت سازمان ملل علیه برنامه هسته‌ای ایران اعمال شد. این تحریم‌ها در شرایطی بود که هیچ سند بین‌المللی مبنی بر انحراف در برنامه هسته‌ای ایران وجود نداشت. بر این اساس،

امضای توافق برجام نقطه عطف مهمی در تحلیل سیاست خارجی دولت یازدهم محسوب می‌گردد. امضای سند برجام به نوبه خود باعث بهبود جایگاه بین‌المللی ایران شده است.

نتیجه‌گیری

استفاده از پیش‌نظریه روزنا به دو جهت در این نوشتار از اهمیت بسیاری برخوردار است: نخست این‌که این نظریه تقریباً تمامی ابعاد مؤثر در تدوین سیاست خارجی را دربرمی‌گیرد. به عبارت دیگر، این نظریه نگاه چندعلتی به مطالعه سیاست خارجی دارد. اهمیت دوم این است که بررسی و تحلیل سیاست خارجی لزوماً به این معنی نیست که تنها عوامل خارجی یک کشور و یا رفتار دولت در عرصه خارجی مطالعه گردد. این نظریه، عوامل داخلی و خارجی را هم‌زمان بررسی می‌کند. این دو اهمیت این امکان را فراهم می‌سازد که مقایسه‌ای هم در مورد ابعاد و هم در مورد سطح مطالعه سیاست خارجی صورت گیرد. در اینجا نیز هدف این است که این موضوع با توجه به سیاست خارجی دولت یازدهم مورد بررسی قرار گیرد و از نظر مقایسه‌ای بررسی گردد که کدام عامل از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار بوده است. پیش‌نظریه روزنا یک نظریه عمومی در مطالعه سیاست خارجی محسوب می‌گردد. بر این اساس قابلیت پیاده‌سازی و کاربرد در مورد کشورها و یا دوره‌های مختلف سیاست خارجی کشورها را دارد. بر این اساس، دولت یازدهم نیز همانند دولت‌های دیگر نظام جمهوری اسلامی در یک چهارچوب داخلی و فرایند سیاستگذاری خارجی عمل کرده است. در این چهارچوب، متغیر فرد، خلیقات و روحیات، باورها و نوع شناخت و جهان‌بینی و پیشینه فردی از اهمیت بسیاری برخوردار است. توجه به اعتدال و باور به این‌که تعامل سازنده با جهان امکان بهتری برای کسب منافع ملی کشور خواهد بود، در جریان انتخابات سال ۱۳۹۲ به عرصه داوری عمومی گذاشته شد و با پذیرش عمومی این نوع نگاه، باورهای رئیس‌جمهور دولت یازدهم مورد توجه قرار گرفت. پس سیاست خارجی دولت یازدهم که مبتنی بر تعامل سازنده و محترمانه با کل جهان می‌باشد، نوعی ابتکار فردی شخص رئیس‌جمهور بوده است.

متغیر دوم نقش رئیس‌جمهور به عنوان رئیس قوه مجریه و دومین مقام پس از مقام معظم رهبری و عالی‌ترین مقام اجرایی کشور است. رئیس دولت یازدهم نه تنها در گزینش وزیر خارجه و هدایت دستگاه دیپلماسی کشور مؤثر است، بلکه امکان تعامل سازنده با بقیه دستگاه‌های تأثیرگذار در فرایند تدوین سیاستگذاری خارجی و یا نظارت بر آن را بر عهده دارد. پیگیری موضوع لغو تحریم‌ها و مذاکره با قدرت‌های بزرگ به‌ویژه مذاکره مستقیم و آشکار با ایالات متحده آمریکا در همین راستا قابل بررسی است. نخستین گام در این زمینه توسط خود رئیس

جمهور در نخستین سفر به نیویورک و سخنرانی در سازمان ملل متحد برداشته شد که در پایان سفر برای نخستین بار تماس تلفنی با رئیس جمهور آمریکا برقرار شد. این اقدام علی‌رغم انتقادات داخلی، زمینه را برای پیگیری موضوع به‌طور مستقیم با آمریکا در سطح وزرای خارجه فراهم ساخت. رسیدن به توافق برجام و فعالیت‌های بعدی در راستای اجرایی کردن آن نشان از این دارد که این نقش توسط رئیس دولت یازدهم انجام شد.

متغیر سوم نظام حکومتی جمهوری اسلامی است. در دولت یازدهم، سیاست خارجی هم در دستورکار مجلس شورای اسلامی و هم شورای عالی امنیت ملی قرار گرفت. هر دو نهاد مؤثر در سیاست خارجی، کارگروه‌هایی را برای نظارت برانجام کار در نظر گرفتند و بر اساس الزاماتی که مقام معظم رهبری برای مذاکره و نظارت بر اجرایی کردن توافق برجام داشتند مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس، تمامی نهادهای حکومتی در جریان و به‌ویژه نظارت بر روند سیاست خارجی دولت یازدهم بودند. نکته مهم دیگر در این متغیر آن است که در دولت یازدهم، مذاکره هسته‌ای برخلاف دو دوره دیگر که عمدتاً بر عهده دبیران شورای عالی امنیت ملی بود، در این دوره به وزارت خارجه منتقل شد. قرار گرفتن فردی ورزیده، متخصص و آزموده در رأس دستگاه دیپلماسی کشور، امکان پیگیری و مذاکره حرفه‌ای و فنی را برای رسیدن به توافق برجام و زمینه‌سازی لغو تحریم‌ها به شکل مناسبی فراهم ساخت.

متغیر چهارم، متغیر اجتماعی و نقش افکار عمومی، گروه‌ها، سازمان‌ها، دانشگاهیان و عموم مردم است. از آنجا که سیاست‌های دولت‌ها بیشترین تأثیر را بر عموم مردم خواهد گذاشت، اشکال در سیاستگذاری به‌ویژه در عرصه خارجی، عرصه را بر مردم تنگ خواهد کرد و این موضوع این خطر جدی را در پی خواهد داشت که نه تنها پیشرفت و رشد اقتصادی کشور دچار خدشه و بحران می‌شود، بلکه این بحران به حوزه‌های اجتماعی تسری یابد و زمینه انشقاق و کاهش همبستگی ملی را در پی داشته باشد زیرا در زمان بحران، امکان درگیری و اختلاف اجتماعی بیشتر افزایش می‌یابد. این عامل یکی از عوامل مؤثری بود که مردم خسته و آزرده از فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها ظالمانه، رو به جانب شعار اعتدال و امید بیاورند و به دنبال تغییر سیاست خارجی از وجه تقابلی به وجه تعاملی باشند.

در نهایت عامل پنجم فشارهای کمرشکن اقتصادی ناشی از تحریم‌های هوشمند بین‌المللی علیه برنامه هسته‌ای کشور بود که در کنار تحریم‌هایی که از اوایل انقلاب علیه کشور وجود داشت، باعث تغییر رویکرد در سیاست خارجی شد. تنها در بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، ۶ قطعنامه شورای امنیت علیه کشور اعمال شد. این قطعنامه‌ها نه تنها فشار اقتصادی فزاینده‌ای علیه کشور ایجاد کرد، بلکه مشروعیت برنامه هسته‌ای کشور را تحت تأثیر قرار داد و از همه این عوامل مهمتر، برنامه هسته‌ای کشور را امنیتی کرد و زمینه فعالیت‌ها و اقدامات نظامی دشمنان

را افزایش داد. این میزان قطعنامه قابل مقایسه با زمان جنگ تحمیلی عراق و همچنین قابل مقایسه با قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه صدام که تصور می‌شد دارای سلاح هسته‌ای است، نبود. بر این اساس، فشار تحریم‌های هوشمند ما را واداشت که به این نکته تأمل کنیم که آیا پیشبرد سیاست تقابلی ما را به هدف نزدیک می‌کند یا این که ممکن است اصل نظام سیاسی را دچار چالش جدی‌تر نماید. پیش‌نظریه روزنا به ما کمک کرد تا در تحلیل سیاست خارجی دولت یازدهم درک بهتری داشته باشیم که چرا این دولت و گفتمان اعتدال در انتخابات سال ۱۳۹۲ مورد اقبال مردم قرار گرفت و چرا سیاست خارجی دولت یازدهم در چرخش قابل مقایسه و ملموسی با دولت دهم داشت. این تحلیل نشان می‌دهد که تمامی عوامل در شکل‌گیری و تداوم سیاست خارجی مبتنی بر تعامل سازنده مؤثر بوده است. اما نقش و تأثیرگذاری کدام عامل بیشتر خودنمایی می‌کند؟ به نظر می‌رسد متغیر فرد در این زمینه از اهمیت بیشتری برخوردار است. برای اثبات این نکته می‌توان به دلایل چندی اشاره کرد: ۱. اگر به تمامی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری یازدهم توجه کنیم، مشخص خواهد شد که غیر از روحانی و محمدرضا عارف که تمایل به تعامل سازنده با جهان داشتند، بقیه افراد و برنامه‌هایشان تا حد زیادی تداوم همان برنامه دولت نهم و دهم بود. لذا انتقاد از سیاست‌های گذشته و طرح مشکلات و مسائل سیاست خارجی دولت قبل و ارائه راه‌کار جدید در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی توسط شخص روحانی این امکان را فراهم ساخت که سیاست خارجی گذشته ناکارآمد است و دیگر امکان پیاده‌سازی ندارد و بسیاری از مشکلات گذشته ناشی از این است که این نوع سیاست خارجی نه تنها نتیجه‌بخش نیست بلکه ممکن است نظام را دچار چالش‌های بیشتری سازد.

۲. پیشینه فعالیت‌های انقلابی و اجرایی روحانی از قبل از انقلاب اسلامی در نهضت امام خمینی (ره)، زمان جنگ تحمیلی و نقش وی در بسیاری از تحولات جامعه به ایشان جایگاه جدی‌تری به نسبت سایر کاندیداها داده بود. «این‌که به من عنوان دیپلمات یا سیاستمدار یا عنوان مشابه دیگری لقب می‌دهند. شاید به این دلیل است که من هشت سال در مجلس، رئیس کمیسیون سیاست خارجی و ۱۶ سال دبیر شورای عالی امنیت ملی بودم و در این مدت، ملاقات‌های خارجی فراوان و گاه سفرهای خارجی داشتم و به مدت ۲۲ ماه مسئول پرونده هسته‌ای بودم. شاید همه اینها زمینه شد تا به من عنوان دیپلمات داده شود.» (گفتگوی حسن روحانی با ایلنا، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۲)

۳. استواری در تصمیم و پابندی به آرمان‌ها و گذشته انقلابی و مصمم روحانی - همچنان که از قبل از انقلاب اسلامی و زندگی‌نامه منتشره وی (روحانی، ۱۳۹۵) نشان می‌دهد - امکان بهره‌برداری از نقش رئیس‌جمهور در تعامل با نهادهای دیگر تصمیم‌ساز در جمهوری اسلامی را فراهم ساخت.

۴. توجه به این نکته نیز ضروری است که تنها اعلام یا روی کار آمدن فردی در یک دولت نشانه بهبودی اوضاع و تغییر مناسب کار نیست. آنچه در برنامه اعلامی روحانی مدنظر قرار گرفت، تنها یک تغییر برنامه نبود، بلکه مجموعی از مزیت‌های متعدد در آن لحاظ شده بود که متأثر از برنامه و چگونگی درک موضوع به شکل تخصصی و مبتنی بر تجربه فراوان یک عمر سیاستمداری وی بود. این تغییر رویکرد نه تنها باید باعث تداوم و حفظ آرمان‌ها باشد، بلکه باید منافع ملی را حفظ کند، برنامه هسته‌ای را تداوم بخشد، تحریم‌ها را لغو کند و در عین حال برنامه‌ای برای مشروعیت‌بخشی و ارتقای برنامه هسته‌ای کشور فراهم کند که هم مورد توافق داخل و هم مورد پذیرش قدرت‌های اصلی و مؤثر و نهادهای ذی‌صلاح در این زمینه باشد. این‌که چگونه فردی در باورهای خود مصمم باشد و پس از هشت سال برنامه‌ای فنی و دقیق را با چهارچوب جدیدی طرح کند، نشان دهنده ویژگی‌های جدی یک سیاستمدار موفق است؛ وگرنه امکان دستیابی به توافق بودن چنان پیشینه‌ای برای کمتر کسی با توجه به حجم عظیم مشکلات داخلی و بی‌اعتمادی بین‌المللی ممکن بود.

۵. در نهایت، پیشینه فعالیت ۲۲ ماهه روحانی به عنوان مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای در دولت هشتم، نشان می‌دهد که نوعی اعتماد به حرف و بیان وی در میان طرف‌های غربی وجود دارد. از آنجا که این جریان دو طرف دارد و تنها بیان یک طرف مبنی بر تغییر رویکرد و عدم انحراف برنامه هسته‌ای به طرف غربی، کافی نیست که مشکلات چند دهه‌ای در برنامه هسته‌ای به میز مذاکره کشیده شود. توان، قول و نوع مذاکره روحانی این حس اعتماد و قابل اتکا بودن نظر وی را پیش از رسیدن به جایگاه ریاست جمهوری ثابت کرده بود و استقبال از مذاکره با وی در سطح بین‌المللی، در واقع نشانه دیگری از این اعتماد و پیشینه است که چگونه فردی ضمن توجه کامل به منافع کشورش، توان تعامل سازنده با جهان را دارد. در مجموع، این همان سیاستی است که عمدتاً در مورد سیاست خارجی ایران به زیرکی از آن یاد می‌شود. «سیاست‌های متغیر و رویاروی در حوزه سیاست خارجی ایران، به نظر غیرمنطقی می‌آید. اما بر عکس، بازتابی از این واقعیت است که این کشور قدیمی و سنتی در پی یافتن نقش جدیدی در امور بین‌المللی است. از سوی دیگر، این سیاست‌های متغیر، همچنین بازتابی از اشتیاق رهبران ایران برای تثبیت دیدگاه‌های خود، حمایت از حاکمیت و استقلال ایرانی و حفظ میراث دینی است. با توجه به ضعف نسبی ایران در رویارویی با قدرت‌های جهانی، رهبران ایران به طور قابل توجهی از خود زیرکی نشان داده‌اند؛ به طوری که توانسته‌اند ضمن بازی کردن با یک قدرت خارجی، مواضع منعطفی را از یک قدرت به قدرتی دیگر نمایش دهند. آنها از این راه وارد ائتلاف‌های جهانی شده و منافع خود را در سطح منطقه یا جهان حفظ کرده‌اند» (میلانی، ۱۳۸۳: ۱۷۶) اما در عین

حال این نکته نباید به گونه‌ای همانند دولت نهم و دهم دنبال گردد که در عمل به فاجعه ملی بیانجامد.

منابع

الف - فارسی

- ۱- آجیلی، هادی، افشاریان، رحیم (۱۳۹۵)، گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت یازدهم، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۴۳-۷۳.
- ۲- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و عطایی، مهدی، (۱۳۹۳)، گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفدهم، بهار، شماره ۱.
- ۳- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۹۲)، گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، بهار، شماره ۱.
- ۴- روحانی، حسن (۱۳۸۲) مفهوم جدید حاکمیت ملی یا فرسایش حاکمیت‌ها، راهبرد، ش. ۲۸.
- ۵- روحانی، حسن، (۱۳۹۱)، امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۶- روحانی، حسن، (۱۳۹۲)، تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: ساختارها و چالش‌ها، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۷- عباس بشیری، (۱۳۹۳) گفتمان اعتدال: گذری بر آرا و اندیشه‌های دکتر حسن روحانی، ویراسته شهرداد امیرانتخابی، تهران: انتشارات تیسرا.
- ۸- سخنرانی در مراسم تحلیف یکشنبه ۱۳ مرداد ۱۳۹۲.
- ۹- سخنرانی در راهپیمایی روز قدس جمعه ۳ مرداد ۱۳۹۳.
- ۱۰- سخنرانی در اجلاس کمیته فلسطین جنبش عدم تعهد دوشنبه ۱۳ مرداد ۱۳۹۳.
- ۱۱- سخنرانی در مراسم معرفی وزرای پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی دوشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۹۲.
- ۱۲- سخنرانی در مراسم تودیع و معارفه وزیر امور خارجه شنبه ۲۶ مرداد ۱۳۹۲.
- ۱۳- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۶)، کاربرد نظریه‌های روابط بین الملل: سیاست بین الملل در عرصه تئوری و عمل، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- ۱۴- گفتگوی حسن روحانی با ایلنا، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۲.
- ۱۵- مارش، دیوید و جری استوکر، (۱۳۷۷) روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، انتشارات مرکز مطالعات راهبردی.
- ۱۶- محمدی، مهدی (۱۳۹۲)، «محاسبه استراتژیک: جلیلی بر اساس سیاست‌های راهبردی نظام عمل کرده»، مهرنامه سال چهارم، ش. ۳۲ (آذر ۱۳۹۲): ۱۱۷.
- ۱۷- میلانی، م حسن (۱۳۸۳)، سیاست خارجی ایران در صحنه جهانی، ترجمه نوذر شفیعی، راهبرد، شماره ۳۱.
- ۱۸- نخستین همایش ملی اعتدال ۱۳۹۳، تهران. مجموعه مقالات همایش ملی اعتدال، زیر نظر سید محمد قانع‌راد، سید رضا امیری، تهران: تیسرا.

ب - انگلیسی

- 19- Rosenau, James N., Sep. 1971, The Adaption of National Societies: A Theory of Political Behaviour and its Transformation, New York: McCaleb-Seiler.